



### بخش نخست

در تحلیل مفهومی «نفوذ» از نکات مهمی که ابتدا باید به آن پرداخته شود تعیین «پروژه‌محور» یا «فرآیندمحور» بودن آن است. آیا در معنای «نفوذ» پروژه‌محوری نهفته است به این معنا که با هدف و برنامه‌ریزی‌شده از سوی یک مسند قدرت صورت می‌گیرد یا فرآیندمحور است و بدون هیچ برنامه مدونی از سوی فاعل مشخصی در درون یک فرآیند صورت می‌گیرد؟ تعبیر معادل نفوذ پروژه‌محور همان «توطئه» است.

آنطور که زبان مشترک انسان‌ها نشان می‌دهد «نفوذ» به هر دو معنا به کار می‌رود، یعنی هم فرآیندی است که فاعل مشخصی ندارد و لزوماً طی یک برنامه مدون صورت نمی‌گیرد و هم برنامه‌ای طراحی‌شده مانند رسوخ در ارکان یک سازمان یا نهاد نظامی است. اگرچه نگرش امنیتی عموماً درباره نفوذ پروژه‌محور حساسیت بیشتری دارد اما اهمیت نفوذ فرآیندمحور، لزوماً کمتر از آن نیست. از مفاهیم نزدیک و مرتبط با «نفوذ»، جاسوسی است اما این تفاوت‌های بسیاری با هم دارند. در حقیقت جاسوسی یکی از اقسام نفوذ است و معنای نفوذ بیشتر از آن است.

مطلب دیگر درباره نفوذ، حوزه‌های مختلف آن است. این حوزه‌ها بسیار متنوع است به طوری که شامل «اقتصاد»، «فرهنگ» و «سیاست» می‌شود و در سطوح مختلف کلی، سازمانی و تشکیلاتی قابل پیگیری است. تعبیر معادل در حوزه فرهنگی، اصطلاح «تهاجم فرهنگی» است.

از جمله معانی مستتر در نفوذ این است که بدون اعلام و به صورت نامحسوس صورت می‌گیرد و به همین دلیل به معنای رخنه نیز هست. از این توصیف معنای نفوذ فرهنگی البته می‌تواند تفاوت‌هایی با تهاجم فرهنگی نیز داشته باشد که متضمن معنای حمله آشکار است. به همین دلیل است که رهبر حکیم انقلاب در مواردی معنای «شبیخون فرهنگی» را بهتر دانسته‌اند.
آیینات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در دیدار فرماندهان گران‌های عاشر/۲۲ تیر ۱۷]

مبارزه با نفوذ از مهم‌ترین ویژگی‌های انقلابی‌گری است و اصلاً مهم‌ترین شاخص آن محسوب می‌شود. از اینجاست که هر دو اصطلاح در کنار هم قابل فهم است.

در نوشتار پیش رو جهت بیان و تبیین اندیشه نفوذ به استخراج، تنظیم، تبویب و تحلیل نظریات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه ای، رهبر حکیم انقلاب اسلامی درباره «نفوذ» پرداخته‌ایم. در حقیقت حضرت معظم‌له جزو معدود صاحبزنانی هستند که در طول چندین دهه به طور مستمر این موضوع را از زوایای مختلف به بحث گذاشته‌اند. با وجود این باید اذعان کرد که رهبر بزرگوار انقلاب در دوران نومحافظه‌کاران تأکید بیشتری بر این‌س موضوع داشته و ابعاد جدیدتری از آن را بیان کرده‌اند. پیش‌تر درباره رابطه «نفوذ و الیگارشی» مطلب مستقلی نگاشته‌ایم. اکنون این نوشتار را می‌توان مکمل آن بحث به شمار آورد که تلاش دارد تفاوت‌های نفوذ در دوران جدید نومحافظه‌کاران [ را با آنچه پیش از آن وجود داشته است در اندیشه رهبر انقلاب تبیین کند.

لازم به تصریح است پرداختن به این مفهوم در جامعه کنونی ایران به طور خاص و عمده برآمده از عقلانیت و اندیشه رهبری است و به همین دلیل پرداختن به نظریات ایشان درباره نفوذ مقدم بر مباحث دیگر است.

۱- تاریخچه نفوذ و نقش الیگارشی

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای میان نفوذ

و استعمار رابطه روشنی می‌بینند که در تاریخ ایران استنادات آن موجود است. بر این اساس نفوذ مقدمه و درآمدی بر استعمار است و تاریخ ایران نشان می‌دهد ابتدا نفوذ رخ داد و سپس استعمار. ایشان نشانه روشن تاریخی نفوذ و نقطه عطف آن در تاریخ ایران را ورود سرر جان ملکم، مأمور انگلیسی در ابتدای قرن نوزدهم در ایران می‌داند. در حقیقت زمانی که این سیاستمدار عطف آن در تاریخ ایران را ورود سرر جان ملکم، مأمور انگلیسی در ابتدای قرن نوزدهم در ایران می‌داند. در حقیقت زمانی که این سیاستمدار بریتانیایی وارد ایران شد به طور مستقیم درباره حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی، اقتصادی و هر نوع اطلاعاتی که به کار تصمیم‌گیری دولتمردان بریتانیایی بیاید شروع به جمع‌آوری اطلاعات کرد سپس آن را با عنوان تاریخ کامل ایران به چاپ رساند. در واقع برخلاف نویسندگان توطئه‌انگاری که بدون سند مشخص تاریخ توطئه غرب و نفوذ آنان در ایران را به سده‌های قبل بازمی‌گردانند و حتی تا زمان پیش از صفویه هم جلو می‌روند، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای آغاز دوران نفوذ غرب در ایران را مقارن با سفر ملکم به ایران معرفی می‌کند که همراه با جمع‌آوری اطلاعات مفیدی برای آن کشور از ایران بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای معتقدند هنوز تحقیق پایسته و شایسته‌ای درباره تاریخ نفوذ و کیفیت آن در ایران نوشته نشده است. آیینات در دیدار مسؤولان نظام/ ۳۰ تیر ۱۹۲]

حضرت معظم‌له در بیان تاریخ نفوذ سیاسی در ایران به دو علت اصلی اشاره می‌کند که عبارتند از: «ضعف دستگاه‌های سلطنتی بی‌عرضه نالایق فایسد دنیاطلب» در یک سو و «شاطی که در طرف مقابل» بر اثر تمدن جدید به وجود آمده بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در توضیح بیشتر درباره پیدایش نفوذ از دوران سر جان ملکم تصریح دارند این نفوذ ابتدا در طبقه الیگارشی رخ داد و دولتمردان انگلیسی اقدام خود را از میان شاهزادگان آغاز کردند: «از سال ۱۸۰۰ انگلیس‌ها اول بار در دستگاه سیاسی کشور ما وارد شدند و دخالت کردند و نفوذ کردند و پارگیری کردند و هم‌راه آنها با قریب به آنها، بعضی از کشورهای دیگر اروپایی هم در این مدت همین کار را کردند. سال ۱۸۰۰ که اولین سفیر انگلیس وارد کشور شد… از همان بوشهر که از کشتی پیاده شد، شروع کرد به رشوه دادن و خریدن افراد و راحت توانست افراد را خریداری کند. این همه شاهزاده و امیر و اسم‌های دهن‌پرکن، همه در مقابل هدایای این آقا خاضع و تسلیم شدندا روند تطاول دشمنان در این کشور، از آن زمان شروع شد.» آیینات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور/۲۶ مرداد ۹۰]

۲- نظریه نفوذ پیش از دوران نومحافظه‌کاران
۱۲- دوران سازندگی و تأکید بر نفوذ فرهنگی اندیشه و نظریه نفوذ از همان آغاز رهبری در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به وضع روشنی وجود داشت اما در هر دوره متناسب با شرایط جدید کیفیت و چگونگی آن تغییر می‌کرد. به طور مثال حضرت معظم‌له در دوران سازندگی نسبت به به ابعادی از نفوذ هشدار داده بودند که تفاوت‌هایی با ادوار بعد داشت. مهم‌ترین نمونه نفوذ در دوران سازندگی از منظر ایشان «تهاجم فرهنگی» او همین طور، «قتل عام فرهنگی» [ یا همان «شبیخون فرهنگی» بود که آن را به صورت برجسته‌ای وارد ادبیات سیاسی کشور کردند. ایشان در این دوره اگرچه متناسب با گفتمان اقتصادی دولت وقت، «حمله اقتصادی» و «تهاجم اقتصادی» را غیرقابل شبهه و خطرناک می‌دانستند اما «خطر جدی» را همان تهاجم فرهنگی معرفی می‌کردند. حضرت آیت‌الله

خامنه‌ای هدف از آن را هم جدایی جامعه از حکومت و امت اسلامی می‌دانستند. آیینات در آغاز گردهمایی نهم جمعه سراسر کشور/ ۲۰ شهریور ۱۷۴]

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در همین دوره از پدیده‌ای سخن می‌گویند که در تناظر با مدیران و نیروهای انقلابی و جهادی بود. یعنی در کنار نفوذ در جامعه از نفوذ در حکومت نیز سخن می‌گویند؛ نفوذ در کسانی که تاکنون زندگی‌شان را در مبارزه و جهاد سپری کرده‌اند. ایشان این نوع نفوذ را همراه با نفاق معرفی می‌کردند. علت هم این بود که چنین نفوذی از راه آشکار به نتیجه لازم دست نمی‌یابد و باید در پوشش مسائل دیگر و چهره خودی باشد تا در این قشر تأثیر بگذارد. آیینات در جلسه چهاردهم تفسیر سوره بقره/ ۶ آذر ۱۷۰]

در این دوران نیز نفوذ در دانشگاه از مهم‌ترین مسائل تلقی می‌شد و ایدئولوژی و تشکیلات بسیج از مهم‌ترین موانع نفوذ دانسته می‌شد. آیینات در مراسم ویژه روز بسیج در یادگان امام حسن مجتبی (علیه‌السلام)/ ۵ آذر ۶۹]

۲-۲- دوران اصلاحات و نفوذ استعمار فرانو
حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای هم‌زمان با دوران اصلاحات و آغاز قرن ۲۱ به دوره نسومی از «استعمار» اشاره می‌کنند که آن را «استعمار فرانو» می‌خوانند که پس از دو دوره «استعمار» و «استعمار نو» پدید آمد. در حقیقت می‌توان قرن ۱۹ را دوران اولیه استعمار یعنی همان استعمار کلاسیک دانست و قرن ۲۰ را قرن استعمار نو. لذا در آغاز قرن ۲۱ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از دوران جدیدی از استعمار سخن می‌گویند که همان «استعمار فرانو» است. این نوع جدید استعمار با نوع جدیدی از نفوذ همراه است.

براساس این دیدگاه باید گفت در هر نوع استعمار نوع خاصی از نفوذ وجود دارد. در استعمار کلاسیک نفوذ عبارت است از ورود عینی و معلوم عناصر خارجی در سرزمین‌های مستعمره که به دلیل قوه قاهره آنها دولت‌های وقت توان ایستادگی نداشتند و لذا این نفوذ به ناچار رخ می‌داد. در استعمار نو هم غرب شیوه جدید و کم‌هزینه‌تری را برای دولت استعمار برگزید که عبارت بود از تربیت و کادرسازی از نیروهای بومی مناطق مستعمره که همان افراد از طریق کودتا و… مناصب را اشغال می‌کردند. آنها در این همراهی و خدمت به دولت‌های استعماری کاملاً از روی شناخت و آگاهی عمل می‌کردند. اما در پدیده «استعمار فرانو» نفوذ دیگر لزوماً با آگاهی و همراهی علمانه و علمانه افراد صورت نمی‌گیرد، بلکه با تغییر نظام باورها و ارزش‌های جامعه و بویژه نخبگان سیاسی و حکومتی، اهداف دشمن محقق می‌شود. هرچند منافاتی هم ندارد که افراد بومی در این پدیده همراهی آگاهانه داشته باشند. آیینات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان/ ۸۲]

بر این اساس باید گفت استعمار کلاسیک در ایران با نفوذ در الیگارشی سنتی پدید آمد و استعمار نو با نفوذ در طبقه و الیگارشی مدرن شکل گرفت. اما استعمار فرانو همانطور که در الیگارشی حاکم نفوذ می‌کند به‌رمان در جامعه نیز نفوذ دارد و لزوماً منحصر به نفوذ در الیگارشی و طبقه حاکم نیست. آیینات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدای استان کرمان/ ۱۲ اردیبهشت ۸۴]

این مطلب که چرا حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پدیده استعمار فرانو را در دوران اصلاحات بیان می‌کنند؛ بی‌دلیل نبود زیرا در این دوره از تاریخ انقلاب اسلامی تحولاتی در داخل کشور اتفاق می‌افتاد و در میان نخبگان سیاسی جریان‌یاتی وجود داشت که وجود همان مصادیق، آن نظر را تولید کرده بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به این پدیده در دوران اصلاحات تصریح دارند که برخی از «مسئولان» به برکت انقلاب اسلامی عزت و احترامی پیدا کرده‌اند اما «ناگهان طرفدار لیبرال-دمکراسی غربی» که «قطعه مقابل مردم‌سالاری اسلامی است» می‌شوند. آیینات در دیدار جوانان استان اصفهان/ ۱۲/۱ آبان ۸۰]

۲-۱- نفوذ و اپوزیسیون‌سازی در استعمار فرانو

از ویژگی‌های مهم نفوذ در «استعمار فرانو» توسل به پدیده «اپوزیسیون‌سازی» است. در

حقیقت دولت‌های استعماری در فرآیند استعمار فرانو اقدام به حمایت از گروه‌هایی می‌کنند که افکار و ایده‌های آنان را به خود نزدیک‌تر می‌بینند. لذا اگر حکومت مستقر در کشوری مانند ایران

نگاهی به بیانات رهبر انقلاب

# تأملی بر پدیده «نفوذ» در دوران نومحافظه‌کاران

- دکتر حمیدرضا اسماعیلی

برخلاف جریان استعماری حرکت کند، این گروه را تبدیل به اپوزیسیون حاکم می‌کنند و در جهت تبلیغ آنان و نشر افکار و آثارشان هزینه می‌کنند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همبستگی و مشارکت عمومی را طریق مواجهه با مشکلات کشور و از جمله این پدیده معرفی می‌کند. آیینات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی/ ۱ فروردین ۸۴]

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرآیند کار در استعمار فرانو و اپوزیسیون‌ها را این می‌داند که در کشورهای استعماری ایدئولوژی و برنامه‌ای که قرار است به اجرا گذاشته شود استخراج و تولید می‌شود و سپس آن گروه نیز در داخل به اجرا می‌گذارد و با ادبیات داخلی آن را نشر می‌دهد. در حالی که هدف دشمن نفوذ در مراکز اقتصادی و سیاسی و نظامی و ایجاد اختلاف و جلوگیری از مسیر رشد انقلاب است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای این «نفوذی‌ها» را نیز «غیرخودی» و «غریبه» و «بیگانه» می‌دانند؛ چه در قبال این همراهی استدلال کنند و به اصل رفتار خود اعتراف کنند و چه آن را پنهان سازند- که البته اغلب نیز پنهان می‌سازند- با وجود این ایشان تصریح دارند در گروه از حقوق شهروندی خود بهره‌مند هستند و تنها محرم و خودی محسوب نمی‌شوند تا نتوانند مناصب مهمی را به دست آورند. آیینات در دیدار جمعی از دانش‌جویان/ ۱۷ آذر ۱۷۹]

مطابق این دیدگاه اگر در ابتدای انقلاب استعمار تلاش داشت با نفوذ دادن افرادی که وابسته به غرب بودند، انقلاب را از مسیر درستش خارج کند اما در شیوه جدید که می‌توان آن را «نفوذ/استحاله» نیز نامید، در دهه‌های بعد سعی داشت با نفوذ در انقلابیون سابق آکه سودای الیگارشیک شدن داشتند! در انقلاب نفوذ کند. در حقیقت آیت‌الله خامنه‌ای از همان آغاز، فعالیت جریان‌هایی مانند سلطنت‌طلب، کمونیست، تجزیه‌طلب و پان‌ایرانیست در سال‌های نخست انقلاب را جزو پروژه نفوذ و در همراهی با نظام سلطه می‌دانستند، آنچه در دوران اصلاحات رخ داد را نیز نفوذ می‌دانستند اما جنس و نوع نفوذ آنها تفاوت داشت آیینات در مجمع عمومی سازمان ملل/ ۳۱ شهریور ۶۶].

۲- دولت پسااصلاحات و مقابله با نفوذ در حاکمیت

در ادامه دوره‌بندی پدیده نفوذ در تاریخ پس از انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «دوران پسااصلاحات» (سال‌های ۸۴ تا ۹۲) را دوران توقف و مقابله با پدیده نفوذ بیان می‌کنند. ایشان در جلسه‌ای که با رئیس و اعضای دولت پسااصلاحات داشتند با اشاره به این مطلب فرآیند نفوذ را که با غربی شدن و سکولاریسم همراه بود و در دوران اصلاحات شدت و سرعت گرفته بود چنین تشریح می‌کنند: «روند غرب‌باوری و غرب‌زدگی را که متأسفانه داشت در بدنه مجموعه‌های دولتی نفوذ می‌کرد، متوقف کردید؛ این چیز مهمی است. حالا یک ده‌ای در جامعه، ممکن است به هر دلیلی شیفته یک تمدنی یا یک کشوری باشند اما این وقتی به بدنه مدیران انقلاب و مجموعه‌های انقلاب نفوذ می‌کند، چیز خیلی خطرناکی می‌شود. این دیده می‌شده؛ خبیا جلوبش گرفته شد. گرایش‌های سکولاریستی- که متأسفانه باز داشت در بدنه مجموعه مدیران کشور نفوذ می‌کرد - جلوبش گرفته شد. نظام انقلابی، بر مبنای دین و بر مبنای اسلام و بر مبنای قرآن شکل گرفته و به همین دلیل از حمایت میلیونی این ملت برخوردار شده و جان‌های‌شان را کف دست‌شان گرفته‌اند و جوان‌های‌شان را به میدان‌های خطر فرستاده‌اند؛ آن وقت مسؤولان یک چنین نظامی، دم از مفاهیم سکولاریستی بزنند؟!» آیینات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت/ ۲ شهریور ۸۷]

۴- «نظریه نفوذ» در دوران «نومحافظه‌کاران»
گروه‌ه در ادبیات سیاسی و نظام واژگانی رهبری تا پیش از سال ۱۳۹۲ واژه نفوذ وجود داشت و ایشان به انتهای مختلف درباره آن سخن می‌گفتند اما با آغاز دوره جدید این واژه معنای خاصی پیدا کرد و با تأکید بیشتری همراه شد. در این دوره حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حتی جزئیات بیشتری را درباره این نظر مطرح و ابعاد گوناگون آن را در حد یک نظریه تبیین کردند.

در دوره جدید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نفوذ را «مساله مهمی» عنوان کردند که ریشه‌های اعلان آن اطلاعاتی است که از طرق مختلف به

ایشان می‌رسد. لذا آن را مساله‌ای صرفاً نظری یا تحلیلی و احتمالی نمی‌دانند. به عبارت دیگر ایشان هشدارهای نفوذ را نه هشدارهایی مبتنی بر احتمالات بلکه هشداری مبتنی بر برنامه‌های مدونی که توسط آمریکا در حال اجراست معرفی می‌کنند. در حالی که به دلیل جنس این پدیده نه تنها عموم مردم بلکه حتی «خیلی از خواص هم مطلع نمی‌شوند». آیینات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری/ ۲ اسفند ۹۴]

در دوره جدید و مطابق تعریف حضرت آیت‌الله

خامنه‌ای، «نفوذی» در یک نگاه کلی همان عامل

و فاعل اجرای برنامه دشمن در داخل کشور

است؛ چه در انجام این فعل نیت و اراده داشته

باشد و چه عبارت دیگر نسبت به فعل خود آگاه

باشد و چه نسبت به کیفیت فعل خود آگاه نباشد

و نیتی هم برای کمک به دشمن نداشته باشد. در

مسیر رشد انقلاب است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

این «نفوذی‌ها» را نیز «غیرخودی» و «غریبه»

و «بیگانه» می‌دانند؛ چه در قبال این همراهی

استدلال کنند و به اصل رفتار خود اعتراف کنند

و چه آن را پنهان سازند- که البته اغلب نیز پنهان

می‌سازند- با وجود این ایشان تصریح دارند در

گروه از حقوق شهروندی خود بهره‌مند هستند و

تنها محرم و خودی محسوب نمی‌شوند تا نتوانند

مناصب مهمی را به دست آورند. آیینات در دیدار

جمعی از دانش‌جویان/ ۱۷ آذر ۱۷۹]

مطابق این دیدگاه اگر در ابتدای انقلاب

استعمار تلاش داشت با نفوذ دادن افرادی

که وابسته به غرب بودند، انقلاب را از مسیر

درستش خارج کند اما در شیوه جدید که

می‌توان آن را «نفوذ/استحاله» نیز نامید، در

دهه‌های بعد سعی داشت با نفوذ در انقلابیون

سابق آکه سودای الیگارشیک شدن داشتند!

در انقلاب نفوذ کند. در حقیقت آیت‌الله

خامنه‌ای از همان آغاز، فعالیت جریان‌هایی

مانند سلطنت‌طلب، کمونیست، تجزیه‌طلب

و پان‌ایرانیست در سال‌های نخست انقلاب را

جزو پروژه نفوذ و در همراهی با نظام سلطه

می‌دانستند، آنچه در دوران اصلاحات رخ داد

را نیز نفوذ می‌دانستند اما جنس و نوع نفوذ آنها

تفاوت داشت آیینات در مجمع عمومی سازمان

ملل/ ۳۱ شهریور ۶۶].

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در یک نگاه کلان‌تر در سطح منطقه و جهان اسلام با بیان ابعاد دیگری از نظریه نفوذ، «نخستین آسیب» این پدیده را «روی کار آوردن عناصری» می‌داند که «خود را متعهد به آمریکا و غرب می‌دانند.» به عبارت بهتر، در اینجا تلاش می‌شود گروهی از نخبگان سیاسی که «نخبگان صالح» خوانده می‌شوند به نفع گروه دیگری که وابسته به غرب هستند و آنان را پیش‌تر «الیگارشی وابسته» خوانده‌ایم، از طرق مختلف حذف شوند: «غرب می‌کوشد پس از سقوط ناگزیر مهره‌های وابسته، اصل سیستم و اهرم‌های اصلی قدرت را حفظ کند و سر دیگری را روی این بدن بگذارد و بدین وسیله سلطه خود را همچنان ادامه دهد.» به عبارت دیگر در کشورهای انقلاب‌شده این پارگی‌ری از همان نیروهای به ظاهر انقلابی است که در یک دگردیسی که فرآیند آن را ایشان بارها بیان و تبیین کرده‌اند رخ می‌دهد. به همین دلیل است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تصریح می‌کنند: «این به معنای هدر رفتن همه تلاش‌ها و مجاهدت‌ها است» زیرا به طور نامحسوس ایدئولوژی و اهداف انقلاب توسط مدیرانی که تعهدی به انقلاب ندارند از بین می‌رود. اما اگر در این مرحله که حتی می‌تواند با تغییر قانون اساسی و نظام حکومتی همراه باشد به نتیجه نرسند، مرحله دیگر روی آوردن به انواع روش‌های هرج و مرج‌طلبی و تروریسم و ایجاد جنگ داخلی است: «این سناریو می‌تواند پیشنهاد مدل‌های حکومتی و قانون اساسی‌هایی باشد که کشورهای اسلامی را بار دیگر در دام وابستگی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به غرب بیکند و می‌تواند نفوذ میان انقلابیون و تقویت مالی و رسانه‌ای یک جریان نامطمئن و به حاشیه راندن جریان‌های اصیل در انقلاب باشد. این نیز به معنی بازگرداندن سلطه غرب و تثبیت مدل‌های نوسازی‌شده غربی و بیگانه از اصول انقلاب و در نهایت، تسلط آنها بر اوضاع است. اگر این تاتکتیک نیز به نتیجه نرسد، تجربه‌ها به

نحفا/آباد/ ۵ اسفند۹۴]

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در یک نگاه کلان‌تر

در سطح منطقه و جهان اسلام با بیان ابعاد

دیگری از نظریه نفوذ، «نخستین آسیب» این

پدیده را «روی کار آوردن عناصری» می‌داند

که «خود را متعهد به آمریکا و غرب می‌دانند.»

به عبارت بهتر، در اینجا تلاش می‌شود گروهی

از نخبگان سیاسی که «نخبگان صالح» خوانده

می‌شوند به نفع گروه دیگری که وابسته به غرب

هستند و آنان را پیش‌تر «الیگارشی وابسته»

خوانده‌ایم، از طرق مختلف حذف شوند: «غرب

می‌کوشد پس از سقوط ناگزیر مهره‌های وابسته،

اصل سیستم و اهرم‌های اصلی قدرت را حفظ

کند و سر دیگری را روی این بدن بگذارد و

بدین وسیله سلطه خود را همچنان ادامه دهد.»

به عبارت دیگر در کشورهای انقلاب‌شده این

پارگی‌ری از همان نیروهای به ظاهر انقلابی است

که در یک دگردیسی که فرآیند آن را ایشان

بارها بیان و تبیین کرده‌اند رخ می‌دهد. به همین

دلیل است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تصریح

می‌کنند: «این به معنای هدر رفتن همه تلاش‌ها

و مجاهدت‌ها است» زیرا به طور نامحسوس

ایدئولوژی و اهداف انقلاب توسط مدیرانی

که تعهدی به انقلاب ندارند از بین می‌رود. اما

اگر در این مرحله که حتی می‌تواند با تغییر

قانون اساسی و نظام حکومتی همراه باشد به

نتیجه نرسند، مرحله دیگر روی آوردن به

انواع روش‌های هرج و مرج‌طلبی و تروریسم و

ایجاد جنگ داخلی است: «این سناریو می‌تواند

پیشنهاد مدل‌های حکومتی و قانون اساسی‌هایی

باشد که کشورهای اسلامی را بار دیگر در دام

وابستگی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به غرب

بیکند و می‌تواند نفوذ میان انقلابیون و تقویت

مالی و رسانه‌ای یک جریان نامطمئن و به حاشیه

راندن جریان‌های اصیل در انقلاب باشد. این

نیز به معنی بازگرداندن سلطه غرب و تثبیت

مدل‌های نوسازی‌شده غربی و بیگانه از اصول

انقلاب و در نهایت، تسلط آنها بر اوضاع است.

اگر این تاتکتیک نیز به نتیجه نرسد، تجربه‌ها به

مسا می‌گوید آنگاه روش‌هایی چون هرج و مرج

و تروریزم و جنگ داخلی میان پیروان ادیان

یا قومیت‌ها یا قبایل و احزاب یا حتی میان

ملت‌ها و دولت‌های همسایه و همراه با آن، حصر

اقتصادی و تحریم و بلوکه سرمایه‌های ملی و

نیز هجوم همه‌جانبه تبلیغاتی و رسانه‌ای را در

پیش خواهند گرفت. مقصود آنان از این همه،

خسته و نومید کردن مردم و مردد و پشیمان

کردن مبارزان است؛ می‌دانند در این صورت،

شکست دادن انقلاب، ممکن و آسان خواهد شد.

تورر نخبگان صالح و مؤثر یا بدنام کردن برخی از

آنان و از سویی خریدن کسانی از سست‌عصران

نیز در شمار روش‌های متداول قدرت‌های غربی

و مدعیان تمدن و اخلاق است.» آیینات در

اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی/ ۲۶ شهریور

۹۰]

در ادامه تلاش می‌شود جزئیاتی از «ظریه

نفوذ» براساس گفتارهای سال‌های اخیر رهبر

انقلاب بیان و تشریح شود.

|   |
|---|
| <b>یابوقی ۱۵</b>  |
| <b>تاریخ مشروطه</b>   |
| <span> </span> <span> </span> <span> </span> <span>▪</span> <b>دکتر موسی نجفی</b> <span> </span> <span> </span> <span> </span> <span>▪</span>   |
| مقاله در آخرین بخش خود، درباره عدم اعتقاد سیدجمال به سنت فلسفی رایج می‌نویسد: <p>با در نظر داشتن مطالب مقاله فواید فلسفه که در آن نه فقط متفکران اسلامی و ایرانی و پیروان آنها مورد انتقاد قرار گرفته‌اند، بلکه تفکر فلسفی یونان باستان هم از این انتقاد در امان نمانده است، به این نتیجه می‌توان رسید که سیدجمال به‌طور کلی فلسفه به معنای اخص کلمه را یا اصلاً مقبول نمی‌دانسته یا در هر صورت نحوه تدریس و تعلیم آن را نمی‌پسندیده است؛ و احتمالاً آن را مانعی برای آشنایی با علوم جدید تشخیص می‌داده است. او در درجه اول به نحوی به مثابه فرانسویس بیکن، گویی در صدد در هم ریختن ارغنون و بنیان‌گذاران ارغنون جدید بوده است. در مقالات او اغلب در میان دانشمندان غرب، نام‌های گالیله، نیوتون و کپلر و دیگر متخصصان علوم طبیعی آورده می‌شود؛ ولی هیچگاه صحبتی از «دکارت»، «لایب نیتز» و «اسپینوزا» و احتمالاً «کانت» و «هگل» به میان نمی‌آید.</p> <p>شاید با اسامی این فلاسفه بزرگ آشنا بوده باشید؛ ولی بدون شک توجه چندانی به سهم ایشان در بنیان دادن به فرهنگ و تمدن غرب نکرده است. در ذهن او عملاً فلسفه به معنای اخص کلمه، چه در غرب و چه در شرق، مصرف چندانی نداشته است و این اعتقاد در نزد کسی چون او که خود در جوانی با آثار شیخه مأنوس بوده و در دانشگاه الازهر قاهره آثار ابن‌سینا و متفکران بزرگ دیگر شرقی را تدریس می‌کرده است، بسیار عجیب می‌نماید. تنها توجیهی که در این‌باره تا حدودی می‌تواند مقبول بنظر آید، این است که سیدجمال به علل صرفاً سیاسی مسائ<span></span>ل را در حد احتیاج رز و ضرورت آنی مطرح کرده است. کار او از این لحاظ بیشتر شبیه به کار روزنامه‌نگار است تا متفکر واقعی. نویسنده مقاله ضمن انتقاد از توجه سید به فلسفه تحصیلی و نفی سایر سنن فلسفی، در پایان اضافه می‌کند:</p> <p>نمی‌توان دیگر پذیرفت که این روحیه فلسفی باید صرفاً تحصلی آن هم به معنای ابتدایی کلمه که مورد نظر اوست، باشد. قبول این قسمت از گفته‌های او نفوذ قبول عجز تفکر و پایان آن است، بلکه قبول پایان علوم و عدم توانایی آنهاست.</p> <p>دقت در ریشه‌های اندیشه و اشتراک و افتراق تفکرات سیدجمال با اندیشه‌ها و جریان‌ات مختلف و بازتاب قسمتی از این تفکرات در دوران مشروطه و دهه‌های بعد، با توجه به گرایش و دوری و نزدیکی از هر یک از ۲ تفکر متقابل و نزدیکی به گرایش و قشر اجتماعی بینایی<span></span>ی تا حدودی تبیین می‌شود.</p> <p>ولی اینکه این افکار در دوران‌های بعدی با چه عناصری ترکیب می‌شود و چه عناصری را از دست می‌دهد، خود موضوع تحقیق مفصل‌تری می‌شود. در فصول بعد نشان خواهیم داد که افکار سطحی سیدجمال واعظ اصفهانی در روزنامه الجمال چگونه با رگه‌هایی از همین علم‌گرایی سیدجمال اسدآبادی تقارن می‌یابد و پیوند خود را آشکار می‌سازد. و از این جنبه با نوعی ارزیابی منفی مواجه می‌شویم؛ و از طرف دیگر، رفع واماندگی و لزوم اتحاد اسلامی و نفی استعمار در متفکران اسلامی دهه‌های بعد نزدیکی یا احیاناً تأثیر برخی از آنان از سیدجمال‌الدین اسدآبادی، نوعی ارزیابی مثبت را از عقاید و مبارزات سید به ارمغان آورده است. بحث از سیدجمال و تفکرات او را به کتب تراجم و دیدگاه‌های گوناگون درباره وی ارجاع می‌دهیم و در اینجا همین قدر تأکید می‌کنیم که به‌منظر می‌رسد تأثیر سید در مشروطه بیشتر از هر قسمت دیگر، بر روی همین گروه بینابینی مذهبی بوده است. و از طرفی توجه مذهب<span></span>یون و حتی روشنفکران مذهبی و در مواقعی روشنفکران غربی در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به علت این زوایای مختلف و حالت بینابینی تفکر سیاسی و نوع خاص و برداشت ویژه او از تفکر علمی و فلسفی است.</p> <p>بعد از بررسی جریان مذهبی در فصل قبل و بررسی جریان بینابینی در پاراگراف قبل، می‌توان به طور خلاصه و فیرستوار به گرایش سکولار و روشنفکر از نظر گرایش سیاسی اشاره کرد. در این راستا، در بین خود روشنفکران نیز چندین جناح از همدیگر متمایزند:</p> <p><b>الف - پیروان قانون</b></p> <p>کسانی که معتقد بودند قانون دوی همه دردهاست</p> |